



دانش آموزان با نیازهای ویژه



دیگران را از طریق حس شنوایی بشنود. به عبارت دیگر، میزان ناتوانی حس شنوایی او ۷۰ دسی بل یا بیشتر است و بنابراین از یادگیری از طریق حس شنوایی محروم است.

ب) دانش آموز کم شنوا فردی است که میزان باقی مانده شنوایی وی در حدی است که می تواند با استفاده از وسایل کمک شنیداری و برنامه های توانبخشی، زبان و گفتار را از طریق کانال شنوایی دریافت کند. دانش آموزان کم شنوا در مقایسه با دانش آموزان ناشنوا مشکلات کمتری دارند و در صورت تشخیص و مداخله به موقع در زمینه دریافت وسایل کمک شنیداری و برنامه توانبخشی، می توانند در کنار دانش آموزان عادی تحصیل کنند. هر اندازه درجه نقص شنوایی دانش آموزی کمتر باشد، به آموزش ویژه کمتری نیاز دارد.

۲. دانش آموزان نابینا و کم بینا

الف) دانش آموز نابینا به فردی گفته می شود که بینایی ندارد یا میزان باقی مانده بینایی او، با وجود استفاده از وسایل «کمک بینایی»، به حدی کم و محدود است که آموزش وی از طریق روش های آموزشی «خط بریل» صورت پذیرد. حداکثر بینایی این گروه از $\frac{20}{400}$ کمتر است و یا زاویه دید آن ها در بزرگترین قطر از ۲۰ درجه بیشتر نیست. این دانش آموزان به آموزش ویژه نیاز دارند، چرا که آموزش آن ها باید از طریق سایر حواس انجام پذیرد.

ب) دانش آموز کم بینا دانش آموزی است که میزان باقی مانده بینایی او با استفاده از وسایل «کمک بینایی» به حدی کم و محدود است که قادر به استفاده از خطوط کتاب های عادی نیست و بر خورداری وی از آموزش و پرورش مستلزم استفاده از وسایل «کمک بینایی» مخصوص یا کتاب های «درشت خط» است. حداکثر بینایی اصلاح شده چنین دانش آموزانی از $\frac{20}{400}$ بیشتر و از $\frac{20}{7}$ کمتر است.

عده ای از کودکان به اندازه ای با کودکان دیگر فرق دارند که باید توجه خاصی به آن ها داشت. این تفاوت به طور کلی در تمام خصوصیات جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی آنان دیده می شود و در سازگاری آن ها با محیط اجتماعی اشکال و مانعی بزرگ ایجاد می کند. به همین منظور، تا همین چند وقت پیش به این دسته از افراد اجتماع «استثنایی» می گفتند. اما از یک طرف، واژه استثنایی معمولاً کاستی ها و تفاوت های منفی را در ذهن تداعی می کند و از طرف دیگر، همه کودکان متفاوت یا نیازمند برنامه خاص را پوشش نمی دهد. به همین دلیل، در حال حاضر، اصطلاح کودکان «با نیازهای ویژه» به جای کودکان استثنایی به کار می رود. کودک با نیازهای ویژه کودکی است که علاوه بر ویژگی ها و نیازهای کودکان عادی، ویژگی ها و نیازهای خاصی دارد. از نظر آموزشی، دانش آموز با نیازهای ویژه، از نظر شناختی، هوشی، جسمی (حسی- حرکتی)، عاطفی و اجتماعی تفاوت قابل ملاحظه ای با افراد هم سن خود دارد. این تفاوت به حدی است که بر خورداری وی از آموزش و پرورش، مستلزم تغییراتی (متناسب با ویژگی های این دانش آموزان) در برنامه ها، محتوا، روش ها، مواد و فضای آموزشی عادی و ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی ویژه به اوست.

دسته بندی های گوناگونی برای نامگذاری افراد با نیازهای ویژه در نظر گرفته اند. در یک دسته بندی این افراد در هشت دسته تقسیم می شوند: ناشنوا و کم شنوا، نابینا و کم بینا، دارای معلولیت جسمی- حرکتی، کم توان ذهنی، دارای اختلالات ارتباطی، دارای اختلالات رفتاری، دارای اختلالات یادگیری و تیزهوش و با استعداد.

۱. دانش آموزان ناشنوا و کم شنوا

الف) دانش آموز ناشنوا به فردی گفته می شود که با میزان باقی مانده شنوایی خود، با وجود استفاده از وسایل «کمک شنوایی» نتواند گفتار



۶. دانش آموزان دچار اختلالات رفتاری

دانش آموز با اختلالات رفتاری به فردی گفته می‌شود که با وجود دارا بودن هوش مرزی یا بالاتر، رفتار اجتماعی-عاطفی وی از حیث فراوانی، شدت، مداومت و شرایط ظهور، تفاوت معنی‌داری با رفتار افراد هم‌سن خود داشته باشد و این تفاوت مانع استفاده او از آموزش و پرورش عادی می‌شود.

هدف کلی از آموزش و توانبخشی این گروه از دانش آموزان، پیشگیری، شناسایی، ارزیابی، اصلاح و کاهش مشکلات رفتاری و ارائه خدمات متناسب به منظور ایجاد سازگاری مطلوب در زمینه‌های فردی و اجتماعی و تا حد امکان بازگشت آنان به جریان آموزش و پرورش عادی است.

۷. دانش آموزان دچار اختلالات یادگیری

این دانش آموزان، با وجود برخورداری از هوش طبیعی و نداشتن نقص‌های حسی یا آسیب‌های شدید مغزی و مشکلات شدید عاطفی - اجتماعی، قادر به بهره‌گیری کامل از امکانات آموزش و پرورش عادی نیستند و در یک یا چند ماده درسی ضعف محسوس و مشهود دارند.

۸. دانش آموزان تیزهوش و با استعداد

دانش آموزان تیزهوش و با استعداد کسانی هستند که دارای توانایی‌های برجسته‌اند و قادر به انجام امور در سطحی عالی می‌باشند. این افراد دارای هوش‌بهر بسیار بالا (بیشتر از ۱۳۰) هستند و با همسالان خود در ویژگی‌های گوناگون از جمله قدرت حافظه بلندمدت، درک بهتر مفاهیم انتزاعی و ... متفاوت هستند و به همین دلیل به برنامه‌های آموزشی و پرورشی ویژه‌ای نیازمندند که بتواند بهتر از برنامه‌های عادی توانمندی‌های بالقوه آنان را بشناسد و به آن‌ها در جهت رشد و شکوفایی شخصی و ایفای نقش مؤثر در جامعه کمک نماید.

۳. دانش آموزان معلول جسمی و حرکتی

دانش آموز معلول جسمی - حرکتی دانش‌آموزی است که با وجود برخورداری از بهره هوشی معمول به علت مشکلات جسمی - حرکتی شدید، به استفاده مؤثر از امکانات آموزشی مدرسه‌های عادی قادر نیست. این‌گونه دانش‌آموزان، اگر ترک تحصیل نکنند، ممکن است از نظر پیشرفت تحصیلی دچار عقب ماندگی نشوند، اما ناتوانی حرکتی گاهی در آن‌ها مشکلاتی همچانی مانند حساسیت بیش از حد و تحریک‌پذیری زیاد به وجود می‌آورد.

۴. دانش آموزان کم‌توان ذهنی

دانش‌آموز کم‌توان ذهنی فردی است که عملکرد عمومی هوشی او به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از میانگین باشد (بهره هوشی پایین‌تر از ۷۰) و در رفتار سازشی مشکلاتی داشته باشد که در دوران رشد پدیدار شده باشند. کودکان کم‌توان ذهنی از نظر آموزشی به سه گروه «آموزش‌پذیر»، «تربیت‌پذیر» و «حمایت‌پذیر» تقسیم می‌شوند و سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئولیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی «آموزش‌پذیر» را بر عهده دارد.

۵. دانش آموزان با اختلالات ارتباطی

اختلال‌های ارتباطی (مشکلات گفتار و زبان) را آسیب در توانایی دریافت، ارسال، پردازش و درک مفاهیم تعریف می‌کنند. اختلال‌های ارتباطی اغلب به تنهایی در کودکان بروز می‌یابند، اما بروز این مشکلات به عنوان مشکلات ثانویه همراه با کم‌توانی ذهنی، آسیب شنوایی و معلولیت جسمی هم کاملاً رایج است. مشکلات گفتار و زبان بر یادگیری در همه حیطه‌های برنامه درسی اثر منفی دارد. همچنین این اختلال باعث انزوای اجتماعی، اضطراب و افسردگی می‌شود.